آسیب‌شناسی سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربای ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳

ابوالقاسم توحیدی‌نیا*
وحید فولادگر**

چکیده

تحقق کامل بانکداری اسلامی، غایت مطلوب نظام بانکی ایران است که برکات اقتصادی و اجتماعی فراوانی خواهد داشت. این مهم تنها با تشخیص صحیح معضلات حال و آینده و تصمیم‌گیری هوشمندانه جهت رفع آنها محقق می‌شود. در این راستا آسیب‌شناسی قرض‌الحسنه یکی از مسائل قابل تأمل و دارای اولویت محسوب می‌شود. این پژوهش عوامل مؤثر بر کاهش سپرده‌های قرض‌الحسنه را به عنوان مسئله اصلی تحقیق، احصا، دسته‌بندی و اولویت‌گذاری می‌کند. بدین منظور چارچوب تحقیق در سه فاز اصلی شامل مطالعه و مصاحبه و تحلیل عوامل، طراحی شده است. در فاز نخست با بررسی پژوهش‌های این حوزه، عوامل مؤثر شناسایی و پرسشنامه تحقیق تنظیم شد. در فاز دوم در مصاحبه با خبرگان این دلایل اعتبارسنجی و مهم‌ترین علل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه احصا گشت. در فاز سوم نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل (Cross Impact Analysis) و بر اساس نظر خبرگان تحلیل شد و به این ترتیب عوامل پیشران، سیاستی، خطرپذیر، شاخص‌ها و عوامل بی‌تأثیر تفکیک شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش، خلأهای قانونی، وجود تورم و پایین‌بودن سطح درآمد مردم، علل پیشران کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه و رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی نیز عوامل سیاستی مربوط به این مسئله می‌باشند.

واژگان کلیدی: *قرض‌الحسنه، بانکداری بدون ربا، آسیب‌شناسی، سپرده.*
طبقه‌بندی JEL: G21, Z12.

*. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Email: a.tohidinia@ut.ac.ir.
**. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
Email: vfouladgar@gmail.com.

مقدمه

امروزه بانک‌ها در جهان با ساماندهی و تسهیل مبادلات تجاری و بازرگانی موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی شده‌اند و با تجهیز منابع و سوق‌دادن آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، سرمایه‌های اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل می‌کنند و از سوی دیگر با افزایش بهره‌وری و به‌کارگیری بخش‌های غیرفعال، اقتصاد را به سمت اشتغال کامل هدایت می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۰).

تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ ضمن تلاش برای حذف بهره از نظام بانکداری کشور، به ارتقای فعالیت بانک‌ها با رعایت موازین شرعی کمک نمود؛ ولی در عرصه عمل، اجرای این قانون با مشکلاتی گوناگونی مواجه شده و همین موضوع کارشناسان را بر آن داشته تا در این عرصه به پژوهش بپردازند و ضمن بررسی مشکلات و موانع تحقق عملی این ساختار، راهکارهایی برای بهبود کارایی و جامعیت نظام بانکداری بدون ربا ارائه نمایند.

سپرده‌های قرض‌الحسنه به عنوان یکی از بازوهای مهم عملیاتی‌کردن نظام بانکداری بدون ربا، در سال‌های گذشته با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کاهش تدریجی سهم این سپرده‌ها و به‌تبع آن کاهش تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌هاست. آمارهای بخش پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیانگر کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها از ۱۰٪ در اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ به ۵/۵٪ در شهریور ماه ۱۳۹۳ هستند (بانک مرکزی – گزیده آمارهای اقتصادی).

در اسلام قرض‌الحسنه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به‌طورمستقیم و غیرمستقیم، مکرر از آن یاد شده و حتی در برخی منابع، اجر معنوی آن بیشتر از صدقه بیان شده است؛ برای مثال در روایتی از امام *صادق* علیه‌السلام آمده است که بر در بهشت نوشته شده، صدقه ده ثواب و قرض‌الحسنه هجده ثواب دارد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج۴، ص۳۳).

در زمینه قرض‌الحسنه مطالعات خوبی صورت گرفته است؛ ولی در باب علل کاهش مستمر سهم این سپرده در بانک‌ها، کمتر بحثی شکل گرفته است. بدون شک یافتن علل

اصلی این مسئله، تنها با مطالعه و نظریه‌پردازی ممکن نبوده، نیازمند تحقیقات میدانی و اجتماعی وسیع خواهد بود؛ لذا درک علل واقعی کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور، نقش مهمی در اتخاذ تصمیمات صحیح و سیاست‌گذاری مناسب در این عرصه خواهد داشت. رسیدن به این دلایل، مسئله اصلی پژوهش حاضر خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعریف قرض‌الحسنه

قرض از نظر لغوی به معنای قطع‌کردن و بریدن است (سعدی، ۱۴۰۸/ معین، ۱۳۶۰/ سیاح، ۱۳۶۵). زمانی که فردی مالی را می‌طلبد، فرد دیگر آن مال را از خود جدا و به متقاضی عطا می‌کند. به همین دلیل به چنین عملی قرض گفته می‌شود (طبرسی، [بی‌تا]). از منظر فقهی، قرض تملیک‌کردن مال به فرد دیگر است به شرطی که قرض‌گیرنده ضامن ادای خود آن مال یا مثل آن یا قیمت آن، بدون شرط زیادی باشد (موسوی خمینی، [بی‌تا]، ج۱، ص ۶۲۵).

آثار اقتصادی قرض‌الحسنه

ازآنجاکه نهاد قرض‌الحسنه تأثیر قابل توجهی بر شاخص‌های اقتصادی دارد. در این بخش به توضیحاتی درباره آثار آن در بخش‌های مصرف، توزیع درآمد، کاهش هزینه‌های تولید و تأثیر آن بر بخش پولی اقتصاد می‌پردازیم:

مصرف جاری قرض‌گیرندگان با دریافت قرض افزایش می‌یابد و در زمان بازپرداخت، میزان مصرف کاهش خواهد یافت؛ لذا در مجموع می‌توان گفت که مصرف حال و آینده آنها تغییر نمی‌کند. البته در صورت تلاش وام‌گیرنده برای کسب درآمد بیشتر طی دوره‌های آتی، انتظار می‌رود که وام‌های قرض‌الحسنه موجب افزایش مصرف افراد شود (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱، ص۱۲۸). از نظر برخی کارشناسان، مکانیزم صندوق تعاون قرض (بین افرادی با سطح درآمد یکسان) موجب توزیع افقی درآمد در یک طبقه و مکانیزم صندوق‌های معاونت قرض (اعطای قرض از افرادی با درآمد بالاتر به طبقات پایین درآمدی) می‌تواند موجب توزیع طولی درآمد از اغنیا به فقرا شوند (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷، ص۱۳۴).

در بخش تولید، تولیدکننده‌ای که از وام قرض‌الحسنه استفاده می‌کند در قیمت‌های پایین‌تر هم می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد؛ درحالی‌که تولیدکننده استفاده‌کننده از وام با بهره، در قیمت بالاتری مجبور به تعطیل‌کردن فرایند تولید خود خواهد بود (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۳، ص۲۷۴).

آثار اجتماعی قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه علاوه بر نتایج اقتصادی می‌تواند آثار اجتماعی زیادی داشته باشد؛ برای مثال با شکل‌گیری صحیح این نهاد می‌توان انتظار داشت که ضمن کاهش فاصله طبقاتی و بهبود وضع معیشت دهک‌های پایین درآمدی، سطح خدمات تأمین اجتماعی در جامعه افزایش یابد و ازهمین‌رو ازآنجاکه دلیل اصلی وقوع برخی از جرایم، رفع نیازهای ضروری اقتصادی است، کاهش جرایم و معضلات اجتماعی می‌تواند متصور باشد.

قرض‌الحسنه در قرآن

در قرآن دوازده مرتبه و در شش آیه عبارت قرض ذکر شده که در تمامی آنها پس از عبارت قرض، شاهد عبارت «حسنا» هستیم (بقره: ۲۴۵/ مائده: ۱۲). البته باید توجه داشت که در اغلب تفاسیر منظور از قرض‌الحسنه، انفاق در راه خدا در نظر گرفته شده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج۲، ص۴۳۰). در آیات دیگری نیز بدون استفاده از عبارت قرض، به آداب و توصیه‌هایی در مورد قرض از جمله مراعات کردن و مهلت‌دادن به بدهکار (بقره: ۲۸۰)، یاری‌کردن یکدیگر در کارهای نیک (مائده: ۱۲) و سفارش به نگارش قرض و دین (بقره: ۲۸۲) پرداخته شده است.

قرض‌الحسنه در روایات

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: هر کس به برادر مؤمنش قرض دهد، بازای هر درهم آن به وزن کوه احد، رضوی و طور سینا، حسنات در ترازوی اعمال او نهاده می‌شود و اگر پس از فرارسیدن مهلت با او مدارا کند، از پل صراط بدون رسیدگی به حساب، چون برق سریع و درخشنده می‌گذرد و هیچ عذابی نمی‌بیند و هر کس که برادر مسلمانش از او یاری طلبد،

اما قرض ندهد، هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌کند (عاملی، [بی‌تا]، ج۱۳، ص۸۸).

امام *صادق* ﷺ نیز دراین‌باره می‌فرماید: «کسی که قرض دهد و برایش مدّت معین نماید و شخص مقروض در وقت معین آن را نپردازد، اجر و پاداش هر روز تأخیر مانند پاداش یک دینار صدقه در هر روز است» (همان، ج۱۸، ص۳۳۰).

البته گفتنی است بر اساس روایات قرض‌گرفتن بدون نیاز ضروری، عملی نکوهیده تلقّی شده و از آن نهی شده است. امام *علی* ﷺ فرمودند: از قرض‌کردن پرهیز کنید، چون قرض باعث غم و اندوه شب و خواری انسان در روز است (حر عاملی، [بی‌تا]، ج۱۳، ص۷۷).

قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربا

در این قسمت از پژوهش مصارف قرض‌الحسنه، مدت بازپرداخت، کارمزد و وثایق مورد نیاز آن از نظر قانون بانکداری بدون ربا بررسی می‌شود و پس از آن نگاهی به سهم این سپرده‌ها در بین سپرده‌های بانکی خواهیم داشت.

مصارف قرض‌الحسنه

با تصویب قانون بانکدای بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳، قرض‌الحسنه چه در جانب تجهیز منابع و چه در جانب تخصیص منابع به بانک‌ها و سایر مؤسسه‌های مالی راه یافت. در آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و در مواد ۱ و ۲ دستورالعمل‌هایی برای قبول سپرده قرض‌الحسنه و استرداد اصل این سپرده‌ها آمده است و در ماده ۳ این آیین‌نامه به راهکارهای تشویقی از جمله اعطای جوایز، معافیت در کارمزد و حق تقدم استفاده از تسهیلات بیان شده است (والی‌نژاد، ۱۳۸۵، ص۱۸۲).

طبق مصوبه جلسه ۵۲۵ شورای پول و اعتبار، نوزدهم فروردین ۱۳۶۳، بانک‌ها در موارد زیر می‌توانند به متقاضیان، تسهیلات قرض‌الحسنه اعطا نمایند: الف) تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار جهت کسانی که فاقد این‌گونه امکانات هستند در شکل تعاونی؛ ب) کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛ ج) رفع نیازهای ضرور.

مدت بازپرداخت

زمان بازپرداخت برای واحدهای تولیدی و خدماتی (غیربازرگانی و معدنی) حداکثر پنج سال و زمان بازپرداخت وام قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری اشخاص حقیقی سه سال تعیین شده است. اقساط تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه می‌تواند به صورت ماهانه، سه ماهه، شش ماهه، سالانه یا یکباره دریافت شود (هدایتی، ۱۳۸۲، ص۳۲).

کارمزد

کارمزد وام قرض‌الحسنه در دستورالعمل موجود در حال حاضر حداقل ۲/۵ درصد و حداکثر چهار درصد است مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز منابع قرض‌الحسنه و نیز تخصیص آن تجاوز نکند. درعمل تقریباً تمامی بانک‌ها، حداکثر نرخ کارمزد یعنی چهار درصد را از مشتری می‌گیرند. کارمزد قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها به کارکنان خود که برای رفع نیازهای ضروری آنان، طبق دستورالعمل مربوطه پرداخت می‌شود، یک درصد در سال است مشروط بر اینکه از هزینه تجهیز منابع و نیز هزینه‌های تخصیص آن تجاوز نکند (همان).

وثایق و تضمین‌ها

«براساس ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا قراردادهای قرض‌الحسنه بنا بر توافق دو طرف، در حکم اسناد لازم‌الاجراء و تابع آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی هستند و به دریافت وثایق و تضمین‌های دیگری نیازی نیست؛ ولی بانک‌ها می‌توانند به منظور حصول اطمینان بیشتر از وصول مطالبات خود در برابر قرض‌الحسنه اعطایی، تضمین‌های قابل قبول خود را اخذ کنند. در عمل همه برخی بانک‌ها در برابر تسهیلات قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضرور دو ضامن معتبر مطالبه می‌کنند» (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵، ص۲۱).

سهم قرض‌الحسنه در بین سپرده‌های بانکی

همان‌گونه‌که در جدول زیر قابل مشاهده است و بر اساس آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلام ایران، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نسبت به کل سپرده‌های بانکی در سال ۱۳۶۳ از ۲۵٪ به ۵/۵٪ در سال ۱۳۹۲ و ۴,۶۷٪ در خرداد ماه ۱۳۹۴ کاهش یافته است.

جدول ۱: سهم مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۴

سال	سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز		درصد رشد مبلغ سپرده‌ها	مبلغ کل مانده سپرده‌ها (میلیارد ریال)	درصد رشد
	مبلغ	سهم از کل سپرده‌ها			
۱۳۶۳	۱۴۹۶,۷	۲۵,۲۹	-----	۵۹۱۸,۳	-----
۱۳۶۴	۹۰۳,۵	۱۳,۲۴	-۳۹,۶	۶۸۲۵,۸	۱۵,۳
۱۳۶۵	۹۴۰,۶	۱۱,۶۴	۴,۱	۸۰۸۰,۲	۱۸,۴
۱۳۶۶	۱۰۴۵,۶	۱۰,۷۹	۱۱,۲	۹۶۸۶,۱	۱۹,۹
۱۳۶۷	۱۱۹۳,۹	۹,۷۵	۱۴,۲	۱۲۲۴۲	۲۶,۴
۱۳۶۸	۱۲۸۰,۶	۸,۴۸	۷,۳	۱۵۱۰۸,۵	۲۳,۴
۱۳۶۹	۱۳۹۲,۳	۷,۳۹	۸,۷	۱۸۸۵۰,۲	۲۴,۸
۱۳۷۰	۱۸۶۸,۶	۷,۷۷	۳۴,۲	۲۴۰۴۸,۵	۲۷,۶
۱۳۷۱	۲۴۴۱.	۸.	۳۰,۶	۳۰۵۰۶,۷	۲۶,۹
۱۳۷۲	۲۶۸۳,۱	۶,۵	۹,۹	۴۱۳۰۳	۳۵,۴
۱۳۷۳	۳۴۹۴,۷	۶,۵۸	۳۰,۲	۵۳۱۴۳,۳	۲۸,۷
۱۳۷۴	۴۶۱۶,۳	۶,۲	۳۲,۱	۷۴۳۹۹,۲	۴۰.
۱۳۷۵	۶۰۳۹,۱	۵,۸۴	۳۰,۸	۱۰۳۳۳۶,۵	۳۸,۹
۱۳۷۶	۸۶۹۳,۲	۷,۳۱	۴۳,۹	۱۱۸۹۰۶,۱	۱۵,۱
۱۳۷۷	۱۲۴۲۰.	۸,۷۷	۴۲,۹	۱۴۱۶۲۸,۴	۱۹,۱
۱۳۷۸	۱۶۲۹۶.	۹,۵۵	۳۱,۲	۱۷۰۵۶۹,۹	۲۰,۴
۱۳۷۹	۲۲۰۱۴,۴	۹,۸۳	۳۵,۱	۲۲۳۹۵۲,۴	۳۱,۳
۱۳۸۰	۲۹۸۴۷,۵	۱۰,۲۳	۳۵,۶	۲۹۱۷۶۸,۶	۳۰,۳
۱۳۸۱	۳۸۱۰۸.	۹,۹۶	۲۷,۷	۳۸۲۷۴۳,۹	۳۱,۲
۱۳۸۲	۴۵۷۰۶.	۹,۳۷	۱۹,۹	۴۸۷۸۶۳,۹	۲۷,۵
۱۳۸۳	۶۹۸۰۶,۲	۱۰,۸۹	۵۲,۷	۶۴۱۰۹۵,۲	۳۱,۴
۱۳۸۴	۹۳۲۳۰,۱	۱۰,۷۱	۳۳,۶	۸۷۰۳۴۳,۸	۳۵,۸
۱۳۸۵	۱۳۳۵۲۲,۴	۱۰,۹۲	۴۳,۲	۱۲۲۲۷۴۷,۸	۴۰,۵
۱۳۸۶	۱۵۲۳۰۵.	۹,۷۶	۱۴,۱	۱۵۶۰۳۸۳,۸	۲۷,۶
۱۳۸۷	۱۵۳۹۴۶,۷	۸,۸۳	۱,۱	۱۷۴۳۶۰۱,۸	۱۱,۷
۱۳۸۸	۱۸۰۱۱۴,۳	۸,۳۲	۱۷	۲۱۶۳۵۷۵,۲	۲۴,۱

۱۳۸۹	۲۳۹۰۷۵,۴	۸,۷۸	۳۲,۷	۲۷۲۳۷۱۸,۹	۲۵,۹
۱۳۹۰	۲۵۵۷۵۶,۲	۷,۸	۷	۳۲۷۹۳۴۲,۶	۲۰,۴
۱۳۹۱	۳۱۰۲۷۷,۵	۷,۲۵	۲۱,۳	۴۲۷۶۷۷۱,۷	۳۰,۴
۱۳۹۲	۳۳۸۴۷۸,۴	۵,۵۸	۹,۱	۶۰۶۱۴۱۸,۹	۴۱,۷
۱۳۹۳	۳۹۰۸۸۰,۸	۵,۲۳	۱۵,۵	۷۴۷۲۱۷۴,۵	۲۳,۳
خرداد ماه ۹۴	۳۶۷۳۷۱,۴	۴,۶۷	۶-	۷۸۶۹۰۹۴,۷	۵,۳

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های گوناگون.

پیشینه تحقیق

صدر (۱۳۷۶) در مقاله‌ای هزینه‌های عقود مختلف را برای برخی از بانک‌های کشور محاسبه کرده و با اشاره به دستوری‌بودن برخی وام‌ها از جمله وام‌های قرض‌الحسنه و هزینه‌بربودن این‌گونه تسهیلات تکلیفی و ایجاد معوقات برای بانک‌ها را یکی از علل کاهش اراده مدیران ارشد بانکی برای تقویت تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه دانسته و با بیان شبه‌ربوی‌بودن کارمزد قرض‌الحسنه به صورت غیرمستقیم این مورد را نیز در زمره این دلایل قرار داده است.

هادوی‌نیا و *کمیجانی* (۱۳۷۷) قرض‌الحسنه را نوع خاصی از قرض بیان می‌کنند و معتقدند با آنکه قرض‌الحسنه از نظر فقهی و حقوقی تحت عقد قرض مطرح می‌شود، تحقق آن شرایط خاصی از «جمله نیازمندبودن وام‌گیرنده» و «انگیزه معنوی و آخرتی قرض‌دهنده» دارد. آنها ضمن بررسی فقهی، روایی و تفسیری قرض‌الحسنه، برخی از اثرات اقتصادی و اجتماعی قرض‌الحسنه مثل تأمین اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، تغییر مصرف و پس‌انداز و توزیع درآمد را بیان کرده‌اند و به ناکارآمدبودن برخی ساختارهای کنونی برای نهاد قرض‌الحسنه اشاره کرده‌اند. سپس اوراق قرض‌الحسنه و قبوض قرض‌الحسنه را به عنوان دو راهکار برای بهبود شرایط قرض‌الحسنه بیان کرده‌اند.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۱) پس از بررسی راهبردهای توسعه بیان می‌کند که از نظر کارشناسان، توزیع مناسب درآمدها موجب کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و کاهش رشد

خواهد شد که از این دیدگاه، قرض‌الحسنه برای رشد، یک عامل منفی به حساب می‌آید. وی با اشاره به فعالیت‌های اقتصادی بانک و انتظار آنها برای کسب منفعت از سرمایه‌های سپرده‌گذاری‌شده، قرارگیری قرض‌الحسنه در زمره فعالیت‌های بانک را موجب بروز سوء استفاده می‌داند که این مورد نیز می‌تواند به بی‌اعتمادی مردم به ساختار بانکی دامن بزند.

موسایی (۱۳۸۲) ضمن بررسی نظر فقهی فقها در زمینه ربا و کاهش ارزش پول، طی پرسشنامه‌هایی نظر عرفی اقشار مختلف مردم را درباره ارزش پول و ربا و قرض جویا شده است. در نتایج این پژوهش می‌توان مشاهده کرد که تمایل به قرض‌الحسنه در شرایط تورمی کنونی و تداوم آن، به‌شدت کاهش یافته که وی این مسئله را بر خلاف یکی از اهداف اصلی تحریم ربا که ترویج قرض‌الحسنه می‌باشد، معرفی می‌کند.

موسویان (۱۳۸۳) به بررسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و روند رشد آنها طی سال‌های ۶۳ تا ۸۲ پرداخته است. وی رشد بی‌رویه و عدم نظارت بانک مرکزی را از نقایص این ساختار دانسته، معتقد است همین دو مورد زمینه‌ساز بروز برخی تخلف‌ها و سوءاستفاده‌ها در صندوق‌های قرض‌الحسنه شده و این مسئله به اعتماد مردم به نهادهای مرتبط با قرض‌الحسنه لطمه زیادی وارد کرده است؛ از سور دیگر عدم استفاده از حساب‌های قرض‌الحسنه توسط این صندوق‌ها و نگهداری وجوه در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار توسط آنها، نیز در کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانکی نقش داشته است.

حسن‌زاده و *کاظمی* (۱۳۸۳) با بررسی آمار حساب‌های قرض‌الحسنه در بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه بیان می‌کنند که در بازه زمانی مورد پژوهش ۱۳۶۶-۱۳۷۷، سپرده‌های قرض‌الحسنه نزد صندوق‌ها بیش از ۵۰٪ این سپرده‌ها نزد شبکه بانکی بوده و در برخی سال‌ها این رقم به بیش از ۷۵٪ نیز رسیده است که نشان‌دهنده نقش مهم و تأثیرگذار صندوق‌های قرض‌الحسنه در اقتصاد کشور است.

میرمعزی (۱۳۸۴) ضمن بیان اینکه بیشتر وجوه موجود در حساب‌های قرض‌الحسنه مردمی نیست یا اگر مردمی است به عنوان وجوه مازاد نمی‌توان از آنها یاد کرد، انگیزه سپرده‌گذاران را نگهداری پول، استفاده از خدمات حساب‌های بانکی یا شرکت در قرعه‌کشی جوایز دانسته، معتقد است کمتر کسی به نیت ایثار و کسب اجر معنوی از حساب‌های قرض‌الحسنه استفاده می‌کند. وی می‌گوید ازآنجاکه مردم می‌دانند بانک‌ها این

مبالغ را به نیازمندان قرض نمی‌دهد، برای سپرده‌گذاری، نیت قربت و کسب ثواب ندارند. وی همچنین معتقد است میزان تبلیغات برای تجهیز این منابع کافی نیست و برای جذب منابع بیشتر، هیچ گونه ابزارسازی جدیدی صورت نگرفته است.

عرب مازار و *کیقبادی* (۱۳۸۵) پس از بررسی قوانین بانکی و داده‌های آماری، سپرده‌های قرض‌الحسنه را بررسی کرده و با بررسی مشکلات ساختاری قرض‌الحسنه دلایل مهمی را برای کاهش سهم این سپرده‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌کنند که ممنوعیت‌های قانونی مثل سقف وام قرض‌الحسنه، گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات جایگزین، افزایش نرخ سود سپرده‌های کوتاه مدت و عدم توان مدیریت مانده‌حساب‌های قرض‌الحسنه به علت نوسانات سپرده‌ها قبل و بعد از تاریخ قرعه‌کشی از آن جمله‌اند. طی دوره مورد بررسی آنها، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه نسبت به کل سپرده‌های بانکی، از ۲۵٪ به ۱۰٪ کاهش پیدا کرده است. آنها دیگرعلل این کاهش را تورم و کاهش ارزش سپرده‌ها، تمایل برای سپرده‌گذاری در سپرده‌های مدت‌دار و شکل‌گیری صندوق‌های قرض‌الحسنه که بیش از ۶۰٪ سپرده‌های قرض‌الحسنه را در خود جای داده‌اند، می‌دانند.

ابونوری و *قاسمی تازه‌آبادی* (۱۳۸۶) ضمن بررسی توزیع درآمد در ۲۷ استان، به این نتیجه رسیده‌اند که قرض‌الحسنه با فرض ثابت‌بودن عوامل دیگر، می‌تواند باعث کاهش نابرابری اقتصادی شود و افزایش عملکرد قرض‌الحسنه بر نابرابری در نوزده استان اثر کاهشی داشته که در یازده عدد از این استان‌ها، این کاهش از نظر آماری معنادار بوده است. در مقابل، افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در هشت استان اثر افزایشی بر نابرابری‌های اقتصادی داشته که بررسی علل آن را نیازمند مطالعات مستقل دانسته‌اند و هماهنگ‌سازی صندوق‌های قرض‌الحسنه در یک بانک مردمی جامع قرض‌الحسنه را به عنوان پیشنهاد مطرح کرده‌اند.

سهیلی (۱۳۸۷) در پژوهشی، عدم اشراف کارکنان سیستم بانکی به مبانی نظری بانکداری اسلامی را به عنوان یکی از معضلات پیش روی تجهیز منابع در سپرده‌های مختلف غیرربوی از جمله قرض‌الحسنه بر می‌شمارد. وی همچنین پدیده‌ای به نام ربای معکوس را که نتیجه کاهش قدرت خرید به واسطه وجود تورم است نیز به عنوان یکی از

دلایل کاهش رغبت مردم به استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه بیان می‌کند. تنزل بانک‌ها به سطح مؤسسات بخت‌آزمایی و توزیع ناعادلانه منافع به واسطه پرداخت جوایز از طریق قرعه‌کشی از دیگردلایلی هستند که این پژوهشگر در بیان علت کاهش قرض‌الحسنه به آنها پرداخته است.

محققنیا (۱۳۸۸) با نقد عملکرد بانک‌ها در مقایسه با صندوق‌های قرض‌الحسنه، یکی از علل اصلی کاهش سپرده‌های قرض‌الحسنه را عدم اعتماد مردم به سیستم بانکی بیان می‌کند و معتقد است استقبال از صندوق‌های قرض‌الحسنه و گسترش فعالیت آنها می‌تواند شاهدی بر ناکارآمدی مدیریت بانک‌ها در این زمینه و عدم اعتماد مردم به این سیستم باشد. وی معتقد است با توجه به وجود تورم و کاهش ارزش پول در گذر زمان، نرخ سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری طی سال‌های گذشته منفی بوده و سود علی‌الحسابی که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری تعلق می‌گیرد، نمی‌تواند مشوقی برای افزایش جذب منابع در اینگونه سپرده‌ها بوده باشد؛ لذا عدم تعلق سود به سپرده‌های قرض‌الحسنه را نمی‌توان از مشکلات اینگونه حساب‌ها دانست. وی در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که نرخ جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه ۵٪ کمتر از رشد نقدینگی بوده است. از سوی دیگر در این پژوهش به کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از ۲۵٪ در سال ۱۳۶۳ به ۸/۸٪ در سال ۱۳۸۸ اشاره و علل گوناگونی را برای این معضل بیان شده است. عملکرد نامناسب بانک‌ها در سپرده‌های قرض‌الحسنه، استفاده از منابع قرض‌الحسنه در تسهیلات دیگر، عدم اعتماد مردم به بانک‌ها و استقبال از صندوق‌های قرض‌الحسنه از جمله دلایلی هستند که *محققنیا* برای کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه بر می‌شمارد. وی در بخش دیگری از تحقیق خود با تکیه بر آمار اظهار می‌کند با آنکه به طور میانگین ۹,۳۳ درصد از منابع سیستم بانکی به حساب‌های قرض‌الحسنه تعلق دارد، میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه کمتر از شش درصد بوده است؛ به بیان دیگر به صورت میانگین ۵۳٪ از سپرده‌ها به صورت تسهیلات به مردم اعطا شده است و مابقی در راستای کسب سود، در بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری شده‌اند که همین مسئله می‌تواند موجب بی‌اعتمادی مردم به سیستم بانکی شود. یکی دیگر از دلایلی که در این پژوهش به آن اشاره شده، بالابودن نرخ ذخیره قانونی برای این‌گونه سپرده‌ها می‌باشد که موجب می‌شود سهم کمتری از این سپرده‌ها در

جریان تسهیلات قرار گیرد؛ البته اکنون این نرخ برای سپرده‌های قرض‌الحسنه کمتر از دیگر سپرده‌هاست؛ ولی می‌توان آن را باز هم کاهش داد.

شهرکی، بهبودی و قادری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای ضمن بیان اهمیت سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش میزان پس‌انداز را به عنوان مقدمه افزایش سرمایه‌گذاری بیان کرده و آثار افزایش پس‌انداز خانوار بر سرمایه‌گذاری و مصرف را با استفاده از مدل تعادل عمومی ایستا و پویا بررسی کرده‌اند. بر اساس این پژوهش، با افزایش و کاهش پس‌انداز خانوار در مدل ایستا وجود رابطه معکوس بین پس‌انداز خانوار و مصرف و در مدل پویا رابطه مستقیم بین آنها تأیید می‌شود. بر اساس این تحقیقات رابطه مستقیم بین پس‌انداز خانوارها و سرمایه‌گذاری در هر دو مدل ایستا و پویا تأیید می‌شود؛ همچنین طبق نتایج مدل پویا، با افزایش ۲۰ درصدی پس‌انداز، تولید ناخالص ملی ۶/۱۳ درصد رشد را نشان می‌دهد.

موسویان (۱۳۸۹) پس از نقد تسهیلات تکلیفی می‌گوید مردم و مسئولان تلقی اشتباهی از بانک‌ها دارند و بیشتر به دید بنگاه خیریه به این مؤسسات نگاه می‌کنند؛ ضمن اینکه عدم ثبات سپرده‌ها قبل و بعد از قرعه‌کشی جوایز موجب شده است در مدیریت این وجوه برای اعطای تسهیلات، مشکلاتی به وجود آید. از سوی دیگر عدم پرداخت سود به این سپرده‌ها و وجود تورم یکی دیگر از دلایل کاهش تمایل سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در این حساب‌ها می‌باشد. نکته قابل تأمل اینکه به نظر *موسویان* هر قرض بدون بهره، قرض‌الحسنه به حساب نمی‌آید و نیت سپرده‌گذار برای اطلاق این نام به سپرده‌ها اهمیت زیادی دارد؛ لذا برخی بانک‌ها با چنین توجیهی، اقدام به استفاده از وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه در سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های تجاری می‌نمایند.

در پایان این بخش قابل ذکر است که وجه تمایز این تحقیق از کارهای قبلی در روش تحلیل آن می‌باشد که بدیع است؛ یعنی تا کنون در ایران از این روش برای تحلیل مسائل اقتصادی استفاده نشده، بلکه اصولاً خاستگاه این روش، حوزه آینده‌پژوهشی می‌باشد؛ اما به دلیل قابلیت‌های تحلیلی بسیار مطلوبش، در اینجا مورد استفاده قرار گرفته که در ادامه در این زمینه بیشتر توضیح داده می‌شود.

روش‌شناسی انجام پژوهش

برای طراحی روش این پژوهش با مطالعه گسترده منابع، انواع روش‌های تحلیلی اعم از روش‌های تحلیل لایه‌ای علت‌ها (Causal Layered Analysis)، روش‌های تحلیل سیستمی (System Dynamic Methods) و غیره مورد بررسی قرار گرفت و روش تحلیل اثرات متقابل (Cross Impact Analysis) به عنوان روش مناسب و کارآمد جهت تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش سهم سپرده قرض‌الحسنه انتخاب شد.

بهره‌گیری از روش تحلیل اثرات متقابل این امکان را به وجود می‌آورد که علاوه بر رتبه‌بندی عوامل، میزان اثرگذاری آنها از همدیگر و اثرپذیری بر یکدیگر نیز مشخص گردد. اساساً زادگاه این روش در حوزه آینده‌پژوهی بوده و جهت ارزیابی و مقایسه علل مختلف که به یک مسئله واحد مرتبط می‌باشند، به کار رفته است (Gordon, 1968, p.105). پس از طرح اولیه روش توسط Gordon کاربردهایی در حوزه مدیریت استراتژیک نیز یافته است و به‌مرور به عنوان یکی از روش‌های مطرح جهت اولویت‌بندی و تعیین عوامل کلیدی یا پیشران (Driving Forces) شناخته شد (Bunn & Salo, 1993, p.296). منطق اصلی این روش بر پایه اثرگذاری و اثرپذیری بنا شده است. ابتدا مسئله اصلی مورد نظر انتخاب می‌گردد که در این پژوهش مسئله، کاهش سهم سپرده قرض‌الحسنه در نظام بانکی می‌باشد، پس از آن از روش‌های مختلف عوامل مؤثر بر آن و مرتبط با آن احصا می‌شود. جهت استخراج این عوامل پیشنهادهای مختلفی از مطالعه کتابخانه‌ای تا مصاحبه با صاحب‌نظران و برگزاری جلسات توفان فکری (Brain Storm) وجود دارد. ما نیز در این پژوهش جهت تکمیل بحث، از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های تخصصی و جلسات فکری بهره برده‌ایم. پس از تعیین عوامل با تشکیل ماتریس اثرات متقابل میزان اثرگذاری و اثرپذیری آنها بر یکدیگر توسط خبرگان مشخص می‌گردد؛ آن‌گاه به کمک نرم‌افزار مربوطه (MicMac)، عوامل استخراج‌شده به پیشران، سیاستی، مخاطره‌آمیز، تأثیرپذیر و عوامل غیرمؤثر تفکیک می‌شوند.

در پایان با توجه به خروجی نرم‌افزار، یافته‌های تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و نتیجه‌گیری صورت خواهد گرفت. مدل مفهومی نهایی با توجه به کاربرد روش اثرات متقابل در یک موضوع اقتصادی، عرصه‌ای جدید بر فضای تحلیل‌های اقتصادی

می‌گشاید و کاربرد این روش امکان یافتن پیشران‌ها و شاخص‌ها را در موضوعات مختلف اقتصادی فراهم می‌آورد.

روش تحلیل اثرات متقابل (Cross Impact Analysis)

همان‌طورکه ذکر شد، این روش برای اولین بار در حوزه آینده‌پژوهی طرح شده و سپس در مدیریت استراتژیک و دیگرحوزه‌ها به کار رفته است. این روش جهت تفکیک عوامل بر مبنای اثر، طرح‌ریزی شده است و فرض پنهان آن، اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر است؛ به بیان دیگر زمانی که موضوعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، عوامل مختلفی با آن مرتبط خواهند بود که می‌توان این عوامل را از طریق مطالعه یا نظر خبرگان احصا نمود؛ ولی ارزش و وزن هر یک از این عوامل در موضوع مورد بررسی مجهول است. روش‌های مختلفی جهت تفکیک عوامل و تعیین رابطه میان آنها پیشنهاد شده که برای مثال مبتنی بر رابطه علت و معلول یا رابطه سیستمی و غیره می‌باشد.

در مسائل اقتصادی که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی اعتقادی دارند- مانند بحث قرض‌الحسنه- به‌راحتی نمی‌توان روابط سیستمی یا علت و معلولی را حاکم کرد؛ زیرا شرط تحلیل سیستمی، تشکیل حلقه‌های علّی (Causal Loops) و تعیین مقادیر مشخصی برای ورودی و خروجی فرایندها می‌باشند (سنگه، ۱۳۸۲، ص۲۷۷). در این گونه مسائل یکی از روش‌های راهگشا و البته پرکاربرد، روش تحلیل اثرات متقابل است. این روش از جمله روش‌های مبتنی بر نظر خبرگان (Expert Based) می‌باشد که با تقاطع عوامل مختلف و مقابل هم قراردادن آنها، میزان اثرگذاری هر عامل بر دیگری را نمره‌دهی می‌کند. درنتیجه مطابق جدول ذیل، ماتریسی از عوامل تولید خواهد شد که خبرگان، میزان تأثیر هر عامل بر دیگری را تعیین می‌کنند. میزان اثر، با اعداد صفر، ۱، ۲ و۳ تعیین می‌شود (صفر، بدون اثر، ۱ اثر کمینه، ۲ اثر متوسط و ۳ اثر بیشینه).

جدول ۲: ماتریس اثرات متقابل

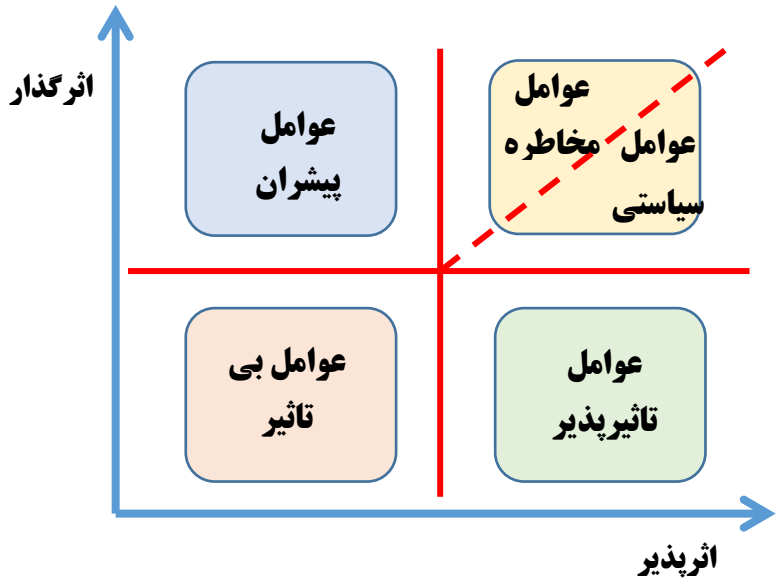
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	میزان اثرگذاری عوامل
عامل اول		میزان اثرگذاری عامل اول بر دوم	میزان اثرگذاری عامل اول بر سوم	میزان اثرگذاری عامل اول بر چهارم	
عامل دوم					
عامل سوم					
عامل چهارم					
میزان اثرپذیری عوامل					

پس از تکمیل ماتریس، اثر متقابل عوامل مطابق سطر و ستون انتهایی ماتریس فوق، میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر عامل استخراج می‌گردد و درنهایت عوامل در نموداری با دو پارامتر اثرپذیری (محور X) و اثرگذاری (محور Y) نمایش داده می‌شوند. در این نمودار، عوامل به پنج دسته اصلی تقسیم می‌شوند که به همراه توضیحات مربوطه در ذیل آمده است:

- عوامل پیشران (Driving Forces): عواملی که اثرگذاری حداکثر و اثرپذیری حداقل دارند. درواقع این عوامل در مسئله مورد بررسی سرنوشت‌ساز می‌باشند. به همین دلیل تغییرات این عوامل کلیدی، بر وضعیت کل سیستم (موقعیت مسئله اصلی) مؤثر خواهند بود و نیروهای پیشران محسوب می‌شوند.
- شاخص‌ها: عواملی که اثرپذیری حداکثر و اثرگذاری حداقل دارند و به هر تغییری در دیگرعوامل، واکنش نشان خواهند داد. از این عوامل می‌توان جهت رصد مسئله بهره برد.
- عواملی که دارای اثرگذاری و اثرپذیری بالا می‌باشند (ربع شمال شرقی) به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- عوامل سیاستی کـه پـایین نیمسـاز مـی‌باشـند و میـزان اثرپـذیری آنهـا نسـبت بـه اثرگذاری‌شـان بیشـتر اسـت. ایـن عوامـل بـه دلیـل اثرپـذیری بـالاتر قابـل تغییرنـد و بـه دلیل اثرگذاری بالا نیز بر دیگر عوامل مؤثرخواهند بود.
- عوامـل مخـاطره‌آمیـز کـه بـالای نیمسـاز قـرار دارنـد و میـزان اثرگـذاری آنهـا نسـبت بـه اثرپـذیری‌شـان بیشـتر اسـت؛ درنتیجـه بـا تغییـری در ایـن عوامـل، بقیـه نیـز تغییر می‌کنند و دامنه تغییـرات افـزایش خواهـد یافـت؛ درنتیجـه ریسـک ایـن تغییـرا بـالا می‌باشد.

➢ عوامل غیرمـؤثر: عوامـل بـا تأثیرگـذاری و تأثیرپـذیری کـم، کـه نـه بـر دیگـران اثر مـی‌گذارنـد و نـه از دیگـران اثـر مـی پذیرنـد و حـذف خواهنـد شـد و درواقـع ایـن تحلیل نشان می‌دهد که این عوامـل متعلـق بـه ایـن حـوزه نبـوده‌انـد؛ چراکـه تـأثیری بـر دیگرعوامـل ندارنـد و اثـری نیـز نمـی‌پذیرنـد. در شـکل ذیـل توضـیحات مصـور شـده است.



شکل ۱- نمودار تحلیل اثرات متقابل

فرایند محاسباتی ذکرشده، توسط نرم‌افزار MicMac انجام می‌شود و نتایج در خروجی نرم‌افزار مشخص خواهند شد. وجود نرم‌افزار علاوه بر تسهیل محاسبه‌ها، امکان تحلیل حساسیت را نیز فراهم می‌آورد؛ همچنین نرم‌افزار قابلیت محاسبه اثرات غیرمستقیم را نیز ایجاد می‌کند. اثر غیرمستقیم شامل تأثیر عامل یک بر سه از طریق اثر بر عامل دو می‌باشد.

قابلیت‌های کاربرد روش تحلیل اثرات متقابل در اقتصاد

امروزه موضوعات کلان اقتصادی با عرصه‌های علم و فناوری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آمیخته است و این به‌هم‌تنیدگی موجب افزایش پیچیدگی و عدم قطعیت می‌گردد (نمازی، ۱۳۷۴). روند تحولات برنامه‌ریزی نیز این امر را تأیید می‌کند؛ چراکه برنامه‌ها از حالت ساده و خطی به‌مرور به برنامه‌های سیستمی و چندوجهی تغییر یافته و در ادامه با رویکردهای استراتژیک تلفیق شده است. برنامه‌ریزی استراتژیک نیز با تمرکز بر محیط و تلاش جهت فهم بهتر آن، ملزم شده که مدل‌های تحلیل محیط را به استخدام بگیرد، همچون مدل‌های STEEP (Social, Technological, Economical, Environmental,

(Political, Environmental, Social, Technological) PEST یا (Political که در برنامه‌ریزی استراتژیک جهت شناخت ابعاد مختلف محیط بیرونی سازمان به کار می‌روند (Porter, 1980).

عدم توفیق استراتژی‌ها و شکست برنامه‌ها به دلیل تغییرات مستمر و شتابان محیط موجب رشد مفاهیم آینده‌پژوهی شد و آینده‌پژوهی به عنوان ورودی برنامه‌ریزی استراتژیک تلاش کرد به پیش‌بینی و ترسیم تصاویر محتمل از آینده بپردازد و ضعف استراتژی‌ها در مواجهه با تغییرات آینده محیط را مرتفع کند (اسلاتر، ۱۳۸۶)؛ درنتیجه تکنیک‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی رشد چشمگیری یافت و یکی از این مصداق‌ها نیز روش تحلیل اثرات متقابل بود. این روش را آینده‌پژوهان جهت غلبه بر تغییرات محیط به استخدام گرفتند و همان‌طورکه به‌تفصیل آمد، مبتنی بر اثرگذاری و اثرپذیری می‌باشد. با توجه به بررسی‌ها، به‌طورمشخص از این روش در موضوعات اقتصادی بسیار کم بهره‌گیری شده است؛ درحالی‌که با ماهیت مسائل اقتصادی بسیار همخوانی دارد.

یکی از معضلات پیش روی صاحب‌نظران و مجریان اقتصادی عدم اتفاق نظر و فهم مشترک می‌باشد که به نظر می‌رسد کاربرد این روش در موضوعات مشخص، موجب شکل‌گیری فضای گفتمانی حول موضوع خواهد شد و جلب مشارکت تفکرات مختلف و گسترش دامنه صاحب‌نظران نیز از طرفی به اعتبار و دقت تصمیمات خواهد افزود و از طرف دیگر موجب همگرایی آرا و اجماع نظر می‌گردد که ثمره آن تا حدی حمایت از تصمیم‌گیری‌های کلان و راهبردی در عرصه اقتصاد می‌باشد. یکی دیگر از مزایای کاربرد روش تحلیل اثرات متقابل، ورود به عرصه آینده‌پژوهی و سناریوپردازی در موضوعات اقتصادی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

آسیب‌شناسی سپرده‌های قرض‌الحسنه به روش تحلیل اثرات متقابل

به منظور بررسی آسیب‌های سپرده قرض‌الحسنه در این بخش سه مرحله اصلی طراحی شده است: احصای دلایل احتمالی در مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه با خبرگان و اعتبارسنجی دلایل، تحلیل اثرات و تقسیم‌بندی دلایل.

گام اول: دلایل ارائه‌شده در مطالعات کتابخانه‌ای

در گام نخست برای دستیابی به دلایل اولیه و بررسی پژوهش‌های پیشین به بررسی منابع کتابخانه‌ای در حوزه قرض‌الحسنه پرداخته شده است. در این مرحله دلایلی که می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روی سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور مؤثر باشند، از مقالات و کتب استخراج و دلایل مشابه، تلفیق شده‌اند که این دلایل در جدول ۴ ذکر شده‌اند.

گام دوم: مصاحبه با خبرگان بانکی

در این قسمت، با استفاده از دلایلی که در منابع کتابخانه‌ای وجود داشت، لیستی برای مصاحبه با خبرگان تهیه شد و در هفت مصاحبه جداگانه، نظر خبرگان[1] را در مورد میزان تأثیر هر یک از این علل- با استفاده از طیف لیکرد- جویا شدیم. در این مصاحبه‌ها میزان تأثیر هر عامل به پنج حالت تقسیم شده است که عبارت اند از: خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد. برای این درجه‌بندی‌ها خیلی کم با عدد یک و خیلی زیاد با عدد ۵ نمایش داده می‌شوند. نتیجه این مصاحبه‌ها که بر اساس جمع میزان تأثیر رتبه‌بندی شده‌اند، در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتیجه مصاحبه با خبرگان بانکی

ردیف	دلایل	نظر مصاحبه شوندگان							مجموع
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۱	وجود تورم و کاهش ارزش پول	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳۵
۲	رقابت بانک‌ها برای افزایش نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۳۲
۳	نبود نیت قرض‌الحسنه از طرف سپرده‌گذاران	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۳۱
۴	شرایط نامناسب اقتصادی	۵	۵	۴	۳	۵	۴	۳	۲۹
۵	پایین بودن درآمد سپرده‌گذاران	۵	۵	۴	۲	۵	۵	۳	۲۹
۶	سلب اعتماد مردم از سیستم بانکی به علت کم‌بودن	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۵	۲۸

۱. پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان رئیس شعبه بانک‌های رفاه، صادرات، ملت، پارسیان و پاسارگاد بودند، یک نفر از مدیران ارشد مؤسسه مالی و اعتباری آرمان و یک نفر کارشناس بانک مرکزی و استاد دانشگاه.

ردیف	دلایل	نظر مصاحبه شوندگان							مجموع
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
	تسهیلات قرض‌الحسنه								
۷	تغییرات فرهنگی و اعتقادی مربوط به قرض‌الحسنه	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲۵
۸	کافی نبودن تبلیغات برای تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه و اجر معنوی آن	۴	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۲۳
۹	انحراف بانک‌ها در مصرف تسهیلات قرض‌الحسنه و نسبت کم تسهیلات واقعی اعطاشده به مردم	۴	۵	۱	۵	۱	۴	۳	۲۳
۱۰	عدم وجود اراده جدی از طرف مدیران و مسئولان بانکی	۴	۲	۴	۱	۴	۴	۴	۲۳
۱۱	سقف وام قرض‌الحسنه و محدودبودن این تسهیلات به وام ازدواج	۴	۲	۳	۳	۴	۴	۳	۲۳
۱۲	افزایش معوقات مربوط به تسهیلات قرض‌الحسنه به دلایل مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی	۴	۵	۳	۱	۴	۲	۳	۲۲
۱۳	هزینه فرصت بالا برای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در بانک‌ها (مشکلات قانونی و محیطی و صرف زمان)	۳	۴	۳	۳	۴	۳	۲	۲۲
۱۴	سوءاستفاده‌های رخ‌داده در صندوق‌های قرض‌الحسنه و سلب اعتماد مردم	۳	۳	۴	۳	۲	۲	۲	۱۹
۱۵	هزینه‌بربودن تسهیلات تکلیفی	۲	۲	۳	۲	۴	۲	۳	۱۸
۱۶	عدم استفاده از سپرده قرض‌الحسنه توسط صندوق‌ها	۲	۲	۴	۴	۱	۳	۲	۱۸
۱۷	ضعف مدیریتی در ساختار بانک‌ها	۴	۳	۲	۱	۲	۲	۳	۱۷
۱۸	تأثیر منفی تبلیغات جوایز به نگرش اخروی	۲	۱	۱	۳	۵	۲	۲	۱۶
۱۹	انتظار بانک‌ها برای انتفاع	۲	۴	۱	۴	۱	۱	۲	۱۵
۲۰	عدم اشراف کارکنان به مبانی بانکداری اسلامی	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۱۳

ردیف	دلایل	نظر مصاحبه شوندگان							مجموع
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۲۱	عدم امکان مدیریت به علت نوسانات	۱	۲	۱	۳	۲	۲	۱	۱۲
۲۲	توزیع نا عادلانه ی منافع با جوایز	۱	۳	۱	۲	۱	۱	۲	۱۱
۲۳	گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات جایگزین	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۱۱
۲۴	نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه	۱	۱	۱	۳	۱	۲	۱	۱۰
۲۵	فردی و داوطلبانه‌دانستن قرض‌الحسنه توسط مدیران	۱	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۹
۲۶	غیرشرعی‌دانستن کارمزد قرض‌الحسنه از طرف مردم	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها می‌توان استنباط نمود که به صورت کلی عوامل زیر از نظر خبرگان نقش مهمی در کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه داشته‌اند:

- وجود تورم و کاهش ارزش پول (ردیف ۱)؛
- تغییرات فرهنگی و اعتقادی (ردیف ۳ و ۷ و ۸ و ۱۸)؛
- رقابت بانک‌ها برای افزایش نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری (ردیف ۲)؛
- شرایط نامناسب اقتصادی و پایین‌بودن سطح درآمدها (ردیف ۴ و ۵)؛
- سلب اعتماد مردم از سیستم بانکی به دلیل انحراف از مصرف صحیح قرض‌الحسنه (ردیف ۶ و ۹)؛
- عدم وجود اراده جدی از طرف مدیران و مسئولان بانکی (ردیف ۱۰ و ۱۷)؛
- سقف و تنوع کم وام‌های قرض‌الحسنه (ردیف ۱۱)؛
- مشکلات قانونی (موانع و کمبود سیاست‌های تشویقی) (ردیف ۱۵ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۴)؛

- وجود تورم و کاهش ارزش پول.

گام سوم: ماتریس اثرات متقابل

در این مرحله با استفاده از تحلیل دو گام قبلی، دلایل با اهمیت و اصلی کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه استخراج شدند. این دلایل به شرح ذیل می‌باشند:

۱. عدم اعتماد مردم به بانک‌ها به علت تخلف از پرداخت صحیح تسهیلات قرض‌الحسنه؛

۲. وجود تورم و کاهش ارزش پول؛

۳. رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری؛

۴. پایین بودن سطح درآمد سپرده‌گذاران و مشکلات اقتصادی؛

۵. تغییرات فرهنگی و اعتقادی- مثل کاهش اعتقادات مذهبی و افزایش منفعت طلبی؛

۶. سقف و تنوع کم در تسهیلات قرض‌الحسنه؛

۷. نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی؛

۸. خلأهای قانونی (الزام و تشویق برای جذب قرض‌الحسنه).

به این ترتیب ماتریس اثرات متقابل برای دلایل فوق طراحی و در مصاحبه با سه تن از استادان دانشگاه تکمیل شد[1] که نتیجه آن در جدول ذیل قابل ملاحظه است. برای تکمیل این ماتریس در مصاحبه‌های جداگانه با هر یک از خبرگان نظر آنها را در خصوص میزان تأثیرگذاری هر عامل بر عامل دیگر جویا شدیم و پس از جمع‌آوری داده‌ها برای ثبت نهایی آرایه‌ها در نرم‌افزار، پس از محاسبه میانگین حسابی هر آرایه از ماتریس، آن را به نزدیک‌ترین عدد صحیح گرد کردیم. در خصوص برخی از آرایه‌ها نظر دو تن از استادان، تأثیر بالقوه (p) بود و نظر استاد سوم عدم تأثیرگذاری این عامل بر دیگری. در این موارد برای آرایه مذکور p در نظر گرفته شده است.

---

۱. اسناد مربوط به مصاحبه با استادان دانشگاهی در خصوص ماتریس اثرات متقابل نزد نگارنده محفوظ می‌باشد.

جدول ۵: ماتریس اثرات متقابل عوامل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه

ماتریس عوامل مؤثر بر کاهش سهم قرض‌الحسنه در نظام بانکی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- عدم اعتماد مردم به بانک‌ها به علت تخلف از پرداخت صحیح تسهیلات قرض‌الحسنه		۰	۱	۰	P	۲	۱	۱
۲- وجود تورم و کاهش ارزش پول	P		۳	۲	۲	۱	۱	۱
۳- رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری	۲	۰		۰	۲	۲	۲	۰
۴- پایین بودن سطح درآمد سپرده‌گذاران	۰	۰	۲		۲	۱	۲	۰
۵- تغییرات فرهنگی و اعتقادی (مثل کاهش اعتقادات مذهبی و افزایش منفعت طلبی)	۱	۰	۳	۱		۱	۳	۱
۶- سقف و تنوع کم در تسهیلات قرض‌الحسنه	۳	۰	۰	۰	۱		۰	۰
۷- نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی	۲	۰	۱	۰	۱	۳		۲
۸- خلأهای قانونی (الزام و تشویق برای جذب قرض‌الحسنه)	۱	۱	۲	۱	۲	۳	۲	

یافته‌های پژوهش

در گام بعدی نتایج ماتریس تکمیل‌شده فوق با استفاده از نرم‌افزار MicMac تحلیل و اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف بر یکدیگر استخراج شد و به این ترتیب عوامل پیشران، سیاستی، مخاطره‌آمیز و شاخص‌ها از یکدیگر تفکیک شدند. با توجه به تحلیل اثرات متقابل و درنظرگرفتن اثرات غیرمستقیم، هیچ یک از عوامل دسته‌بندی‌شده فوق در گروه عوامل بی‌اثر جای نگرفتند.

عوامل پیشران

عواملی که بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را دارند یا عوامل پیشران، به ترتیب عبارت‌اند از: خلأهای قانونی (عدم وجود ساز وکارهای تشویقی جهت جذب قرض‌الحسنه)، تورم و کاهش ارزش پول و پایین‌بودن سطح درآمد سپرده‌گذاران. معنای پیشران این است که در صورت تغییر این گزینه‌ها، دیگرعوامل نیز تغییر خواهند کرد؛ درنتیجه اینها نقاط کلیدی مسئله قرض‌الحسنه به حساب می‌آیند. البته در این خصوص باید به این نکته توجه داشت که میزان کنترل‌پذیری هر یک از این عوامل متفاوت خواهد بود؛ برای مثال خلأهای قانونی را می‌توان با همکاری قوه مقننه و بخش‌های اجرایی با تصویب قوانین جدید و تهیه دستورالعمل‌های اجرایی برطرف کرد؛ ولی کاهش تورم که دلایل

ریشه‌ای دارد یا افزایش درآمد سپرده‌گذاران نیاز به زمان و تغییرات اساسی در برخی ساختارهای اقتصادی کشور خواهد داشت.

عوامل سیاستی

بر اساس نتایج، عوامل سیاستی یا هدف نیز شامل دو مورد زیر می‌باشد:

۱. رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری؛
۲. نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی.

این عوامل در ناحیه اثرگذاری و اثرپذیری بالا قرار گرفته‌اند؛ ولی میزان اثرپذیری آنها بیش از اثرگذاری است و جزو عوامل هدف یا سیاستی محسوب می‌شوند. با نگاه تحلیلی به این دو عامل مشخص می‌شود که این دو ضمن اینکه بر دیگر عوامل اثرگذارند، خود نیز بر یکدیگر مؤثر خواهند بود؛ یعنی عدم وجود اراده جدی در مدیران بانکی جهت ترویج امر قرض‌الحسنه بر رقابت بانک‌ها برای افزایش سود اثرگذار است و از سوی دیگر نبود اراده جدی نیز خود متأثر از عوامل پیشران و رقابت بانک‌ها خواهد بود. همین امر نشان می‌دهد که این دو مورد، قابل مدیریت و سیاست گذاری بوده و می‌توان با راهبردهای کلان و برنامه‌ریزی، آنها را محقق نمود.

عوامل مخاطره‌آمیز

یکی دیگر از عوامل ناحیه اثرگذار و اثرپذیر بالا، تغییرات فرهنگی و اعتقادی مانند کاهش اعتقادات مذهبی و افزایش منفعت طلبی می‌باشد. این عامل در بخش مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرد؛ زیرا میزان اثرگذاری آن نسبت به اثرپذیری بیشتر است؛ درنتیجه با ایجاد تغییرات در آن، دامنه گسترده‌تری از اثرات، پدید خواهد آمد که ممکن است مخاطره‌آمیز یا دارای ریسک بالا باشد. البته لازم است بدین مسئله واقف باشیم که این حدود و مرزها قراردادی و اعتباری‌اند و قطعاً نسبی خواهند بود؛ به بیان دیگر عوامل بخش سیاستی و هدف نیز که اثرگذاری و اثرپذیری بالایی دارند، مخاطراتی را در بر خواهند داشت؛ ولی جهت مشخص‌شدن نتیجه لازم است محدوده‌ای را مشخص کنیم تا بتوانیم به مرحله تصمیم‌گیری برسیم.

شاخص‌ها

در این قسمت عواملی را بررسی خواهیم کرد که اثرپذیری بالایی دارند و در مقابل میزان اثرگذاری آنها اندک است. این عوامل درحقیقت از تغییرات فضای مسئله متأثر خواهند شد و هر تغییری را منعکس می‌کنند؛ ولی تغییرات خودشان بر عوامل دیگر اثر چندانی نخواهد داشت؛ به همین دلیل می‌توان آنها را به عنوان شاخص در مسئله معرفی کرد. این عوامل به شرح ذیل می‌اشند:

۱. سقف و تنوع کم در تسهیلات قرض‌الحسنه؛
۲. عدم اعتماد مردم به بانک‌ها به علت تخلف در پرداخت صحیح تسهیلات قرض‌الحسنه.

با توجه به تحلیل فوق، افزایش سقف و تنوع این تسهیلات را می‌توان به عنوان شاخصی از رونق فضای قرض‌الحسنه در جامعه دانست و طبیعتاً با بهبود عوامل پیشران و سیاستی ذکرشده و بهبود کارایی در تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه، شاهد افزایش اعتماد مردم به عملکرد بانک‌ها در این حوزه خواهیم بود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن بررسی علل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در منابع کتابخانه‌ای و از نگاه خبرگان، به تحلیل و تفکیک این عوامل با استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل به عنوان یکی از روش‌های قابل کاربرد در تحلیل پدیده‌های اقتصادی پرداختیم و نتایج ذیل حاصل شد:

عوامل پیشران: ۱. خلأ های قانونی؛ ۲. تورم؛ ۳. پایین‌بودن سطح درآمد سپرده‌گذاران.

عوامل سیاستی و مخاطره‌آمیز: ۱. رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌ها؛ ۲. نبود اراده جدی مدیران بانکی؛ ۳. تغییرات فرهنگی و اعتقادی.

شاخص‌ها: ۱. سقف و تنوع کم تسهیلات قرض‌الحسنه؛ ۲. عدم اعتماد مردم به بانک‌ها.

به این ترتیب می‌توان گفت تمامی این عوامل، سیستمی را شکل می دهند که توجه به هر بخش آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. عوامل پیشران به عنوان پایه‌های اساسی شکل گیری این مسئله شناخته می‌شوند؛ ولی باید به این موضوع دقت داشت که میزان

مدیریت‌پذیری هر یک از آنها با یکدیگر متفاوت است و قابلیت اعمال تغییرات سریع در آنها کمتر از عوامل سیاستی و مخاطره‌آمیز خواهد بود. به همین دلیل سیاست‌گذاران ضمن اینکه باید جهت‌دهی میان مدت و بلند مدت مناسبی برای نیروهای پیشران (تورم، خلأ قانونی و سطح درآمدها) داشته باشند، می‌توانند در کوتاه‌مدت با مدیریت درست و اصلاح عوامل سیاستی (رقابت بانک‌ها، نبود اراده جدی مدیران) و ریل‌گذاری برای جهت‌دهی آرام به تغییرات فرهنگی، شاخص‌های کاهش سهم این سپرده‌ها را تغییر دهند و باعث افزایش اعتماد مردم به بانک‌ها و ایجاد تنوع در تسهیلات قرض‌الحسنه شوند. ولی اگر سیاست گذاری‌ها در خصوص پیشران‌های مسئله، همسو با تغییرات در عوامل سیاستی و مخاطره‌آمیز نباشد، نه تنها به اهداف مورد نظر نخواهیم رسید، بلکه افزایش پیچیدگی در تحلیل عوامل دور از انتظار نخواهد بود و احتمالاً شاهد ورود عوامل تأثیرگذار جدید به تحلیل خواهیم بود.

بدین ترتیب لازم است مسئولان امر در خصوص علل و عوامل مؤثر بر کاهش سطح سپرده‌های قرض‌الحسنه که بر اساس تحلیل‌های مطرح‌شده در این مقاله به دست آمده‌اند، اهتمام لازم را مبذول داشته، تلاش نمایند با راهکارهای عملیاتی مناسب در جهت تخفیف و برطرف‌کردن این عوامل نامطلوب گام بردارند. بدیهی است که ارائه توصیه‌های سیاستی جهت چاره‌اندیشی در این زمینه، بسته به نوع عوامل اخلالگر، دارای ابعاد و اولویت‌های زمانی و اجرایی متفاوتی خواهد بود؛ برای مثال در برطرف‌کردن عوامل مؤثر در کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه، اگرچه اولویت با عوامل پیشران است، انتظار برطرف‌شدن آنها در کوتاه‌مدت واقع‌بینانه نیست؛ لذا توصیه‌های عملیاتی برای دوره جاری و بازه زمانی کوتاه‌مدت قاعدتاً باید بر عوامل سیاستی تمرکز داشته باشند؛ مثلاً کنترل رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌ها، به عنوان یک عامل سیاستی، می‌تواند بر سطح تورم به عنوان یک عامل پیشران تأثیرگذار باشد و آن را تخفیف دهد که تخفیف تورم هم در بلندمدت می‌تواند سبب افزایش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه گردد.

منابع و مآخذ

۱. ابونوری، اسماعیل؛ افسانه قاسمی تازه‌آبادی؛ «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده های پانل بین استانی)»، **اقتصاد اسلامی**؛ ش۲۸، زمستان ۱۳۸۶.

۲. اسفندیاری، ابوالفضل؛ **نگاهی به صندوقهای قرض‌الحسنه**؛ تهران: سازمان بازرسی، ۱۳۸۲.

۳. اسلاتر ، ریچارد و همکاران؛ **نواندیشی برای هزاره نوین، مفاهیم، روش‌های و ایده‌های آینده‌پژوهی**؛ ترجمه عقیل ملکی‌فر و همکاران؛ تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۶.

۴. حسین اسلامپور کریمی؛ «صندوق‌های قرض‌الحسنه، آسیب‌شناسی، ساختار مناسب و راهکارهای اصلاحی»، **بانک و اقتصاد**؛ ش۴۹، ۱۳۸۳.

۵. اسلامی، زهرا؛ **بررسی عملکرد سیستم بانکی و صندوقهای قرض‌الحسنه در خصوص سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه (۷۳-۱۳۶۸)**؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم بانکداری، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۵.

۶. برگزیده آمارهای اقتصادی بخش بانکی و پولی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳.

۷. بیدار، محمد؛ «بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، **معرفت اقتصاد اسلامی**؛ ش۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

۸. پیران، پرویز، «پیامدها و آثار فقر و نابرابری در ایران، فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، **رفاه اجتماعی**؛ ش۱۸، ۱۳۸۴.

۹. حبیبیان نقیبی، مجید؛ «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، **نامه مفید**؛ ش۳۱، ۱۳۸۱.

۱۰. ـــــ؛ «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری-روایی »، **فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**؛ ش۱۶، زمستان ۱۳۸۳.

۱۱.ـــــــ؛ «انتفاع، معیار ناسازگاری نهاد بانک و نهاد قرض‌الحسنه»، **مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی**؛ تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.
۱۲.حسن‌زاده، علی و مهین‌دخت کاظمی؛ « صندوق‌های قرض‌الحسنه، ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور»، **فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**؛ ش۱۶، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳.خان و میرآخور، **مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی**؛ ترجمه محمد ضیائی بیگدلی؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۰.
۱۴.رادمنش، غلامحسین؛ **پس‌انداز در اقتصاد جدید**؛ چ۱، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۴۳.
۱۵.سنگه، پیتر؛ **پنجمین فرمان**؛ ترجمه محمد روشن؛ تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۲.
۱۶.سهیلی، کیومرث، «مقایسه نظری کارایی بانکداری غیر ربوی در تجهیز و تخصیص منابع»، **مطالعات اقتصاد اسلامی**؛ ش۱، ۱۳۸۷.
۱۷.سیفلو، سجاد و خوانساری، رسول، «مشکلات و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه»، **تازه‌های اقتصاد**؛ ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰
۱۸.شاه‌آبادی، ابوالفضل و طیبه خاتمی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر خوداشتغالی در اقتصاد ایران»، **پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار**؛ ش۴۵، بهار ۱۳۹۲.
۱۹.شوارتز، پیتر؛ **مبانی و اصول سناریونویسی**؛ ترجمه عزیز علیزاده؛ تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۸.
۲۰.شهرکی، مهدی، داوود بهبودی و سیمین قادری؛ «بررسی تأثیر پس‌انداز بر سرمایه‌گذاری و مصرف در ایران مدل تعادل عمومی محاسبه پذیر»، **اقتصاد مقداری**؛ ش۲۶، ۱۳۸۹.
۲۱.صدر، سیدکاظم، «آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض‌الحسنه»، **مجموعه مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی**؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۴.

۲۲.ـــــــ؛ **مطلوبیت و هزینه قرارداد قرض‌الحسنه برای تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی**؛ تهران: انتشارات موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۷۶.
۲۳.طاهر، سعید؛ «توزیع در اسلام»، **درسهایی در اقتصاد اسلامی**؛ ترجمه محمد رضا یوسفی؛ چ۱، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.
۲۴.طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی و سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: بنیاد فکری علامه طباطبایی و با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۳.
۲۵.طبرسی، ابی‌علی الفضل بن الحسین؛ **مجمع البیان**؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
۲۶.حرّ عاملی؛ **وسائل الشیعه**؛ بیروت: مؤسسه اهل‌البیت، [بی‌تا].
۲۷.عرب مازار، عباس ؛ «اندیشه جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، **اقتصاد اسلامی**؛ سال ششم، ش۲۲، تابستان ۱۳۸۵.
۲۸.فرزین‌وش، اسدالله و احمد شعبانی؛ **بررسی عقود در بانکداری اسلامی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۱.
۲۹.قحف، منذر، «نقش اقتصادی دولت در اسلام»، **درسهایی در اقتصاد اسلامی**؛ ترجمه محمد تقی گیلک حکیم‌آبادی؛ قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.
۳۰.قندی، محسن؛ **مددکاری اجتماعی**؛ تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۴.
۳۱.کرویتس، هلموت؛ **پول، بهره، بحران‌های اقتصادی- اجتماعی**؛ ترجمه حمیدرضا شهمیرادی؛ چ۱، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
۳۲.کمیجانی، اکبر و هادوی نیا، علی اصغر؛ «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، **نامه مفید**؛ ش۱۴، ۱۳۷۷.
۳۳.گیدنز، آنتونی؛ **جامعه‌شناسی**؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۳۴.ماجدی، علی و حسن گلریز؛ **پول و بانکداری از نظریه تا سیاست‌گذاری**؛ تهران: مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳.

۳۵.مجتهد، احمد و علی حسن‌زاده؛ **پول و بانکداری و نهادهای مالی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۴.
۳۶.محقق‌نیا، محمدجواد؛ «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»، **معرفت اقتصاد اسلامی**؛ ش۱، ۱۳۸۸.
۳۷.مطهری، مرتضی؛ **منطق، فلسفه**؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
۳۸.موسایی، میثم؛ **ربا و کاهش ارزش پول**؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۳۹.موسوی خمینی، سیدروح الله؛ **تحریرالوسیله**؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج۱، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۳.
۴۰.موسویان، سیدعباس؛ «طرحی برای ساماندهی صندوقهای قرض‌الحسنه»، **اقتصاد اسلامی**؛ ش۱۶، زمستان ۱۳۸۳.
۴۱.ـــــ؛ «ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران»، **مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی**؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۹.
۴۲.ـــــ؛ **بانکداری اسلامی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۰.
۴۳.مهرگان، نادر و الهه محسنی؛ «بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه»، **رفاه اجتماعی**؛ ش۴۶، ۱۳۹۱.
۴۴.میرمعزی، سیدحسین، «سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود»، **مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی**؛ تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.
۴۵.نادری، عزت‌اله و مریم سیف نراقی؛ **روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی** (با تأکید بر علوم تربیتی)؛ تهران: نشر ارسباران، ۱۳۹۰.
۴۶.نمازی، حسین؛ **نظام‌های اقتصادی**؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

۴۷.والـی‌نـژاد، مرتضـی؛ **مجمـوع قـوانین و مقـررات بـانکی**؛ تهـران: انتشـارات پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۱.
۴۸.هـادوی‌نیـا، علـی‌اصـغر؛ «اوراق قـرض‌الحسـنه»، **فصـلنامه تخصصـی اقتصـاد اسلامی**؛ ش۴، زمستان ۱۳۸۰.
۴۹.هـدایتی، سـیدعلـی‌اصـغر و همکـاران؛ **عملیـات بـانکی داخلـی ۲** (تخصـیص منابع)؛ بانک مرکـزی جمهـوری اسـلامی ایـران، تهـران: مؤسسـه عـالی بانکـداری ایران، ش۲، پاییز ۱۳۸۳.
۵۰.یزدانـی، مـریم؛ «قـرض‌الحسـنه و نقـش آن در رفـع نیازهـای اجتمـاعی و اقتصادی»، **مجله اقتصادی**؛ ش۵-۶ ، ۱۳۹۰.
51. Blanning, Robert and Bruce Reinig; **Cross-impact analysis using group decision support systems**: an application to the future of Hong Kong; Elsevier Science Ltd., 1999.
52. Bunn, DW & Salo, AA , "Forecasting with scenarios"**, European Journal of Operational Research;** Volume 68, Issue 3, 1993.
53. Gordon,T.J. & Hayward H.; "Initial experiments with the cross impact matrix method of forecasting", **Elsevier Science Ltd, Futures**; Vol.1, Issue2, December, 1968.
54. Gordon, Theodore Jay; **Cross Impact Method**; United Nations University Millennium Project, 1994.
55. Helmer, Olaf, "Problems in futures research: Delphi and causal cross-impact analysis", **Elsevier Science Ltd, Futures**; Vol.9, Issue1, February 1977.
56. Porter, M.E.; **Competitive Strategy**; Free Press, New York, 1980.